

دزدی ادبی؟!

سالیان درازی است که با پژوهش در باره ی حافظ و اشعار او دل مشغولم. با نوشتن دو رساله ی دکتری به زبان فرانسه (۱- تخیل شاعرانه در غزلیات حافظ- مطالعه موضوعی و ۲- پژواک شعر حافظ در فرانسه- ترجمه و پذیرش) و ده ها مقاله ی علمی به زبان های فارسی، فرانسه و سویدی همچنان عاشقانه به تفحص و پژوهش در باره ی غزلیات حافظ ادامه می دهم.

مدتی است که سرگرم ترجمه ی کتاب دوم خود از زبان فرانسه به زبان فارسی هستم. این رساله (به صورت کتاب در چاپخانه دانشگاه افسالا، سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است) به معرفی ترجمه ی غزل های حافظ به زبان فرانسه از آغاز تا سال ۲۰۰۱ می پردازد و نشان می دهد که تا این سال یعنی هفت قرن پس از مرگ حافظ هیچیک از مترجمان حافظ به ترجمه ی همه ی غزل های دیوان به زبان فرانسه دست نزده بودند. البته من از ترجمه ی کامل دیوان که در دست پروفیسور دوفوشه کور بود باخبر بودم. در آوریل ۲۰۰۶ ترجمه ی ۱۲۷۴ صفحه ای همه ی غزل های حافظ در قطع جیبی توسط انتشارات شرق شناسی فرانسه وردیه در پاریس از زیر چاپ بیرون آمد. مترجم این اثر پروفیسور شارل هانری دوفوشه کور سالیان درازی از عمرش را درگیر ترجمه و تحشیه ی ۴۸۶ غزل دیوان حافظ بوده است. در رساله دوم، من قسمتی را به پروفیسور دو فوشه کور و شرح حال او و چگونگی ترجمه اش اختصاص داده ام و بسیاری از داده های این قسمت را در ملاقات هایی که در پاریس با او داشتم و یا در جواب پرسشنامه ای که تهیه کرده بودم از زبان خود ایشان آورده ام. افزون بر این ها مقالاتی هم در این زمینه نوشته ام که عناوینی مانند نخستین ترجمه ی کامل غزل های خواجه حافظ به زبان فرانسه و همین طور ماجرای دلدادگی پروفیسور شارل هانری دوفوشه کور به حافظ نوشتم که در سایت های گوناگون منجمله خبرنامه گویا، ایران امروز و... چاپ شده است.

همانطور که گفتم من این روزها مشغول ترجمه ی رساله ی دومم هستم. امروز هنگام جستجو در سایت های گوناگون به مقاله ی خانم مونا سیفی برخوردیم با عنوان ترجمه عارفانه حافظ به بهانه ترجمه کامل حافظ به زبان فرانسوی. این مقاله در کیهان شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۶، شماره ۱۸۸۱۰ در قسمت ادب و هنر چاپ شده است.

هنگامی که شروع به خواندن مقاله کردم با حیرت بسیار به جملاتی برخوردیم که برایم خیلی آشنا بودند. هر چه بیشتر خواندم بیشتر این احساس را پیدا کردم. نه! این نمی تواند مقاله ی من باشد چون اگر این طور بود حتما این خانم محترم مونا سیفی نام نویسنده ی مقاله را ذکر می کرد. با دقت به دنبال نام خودم گشتم ولی آن را در هیچ کجای مقاله نیافتم. برای اطمینان خاطر و این که بیهوده این خانم محترم را متهم به دزدی ادبی یا پلاژیا نکنم به دنبال مقاله های خودم با عناوینی که در بالا آوردم گشتم. خوشبختانه نسخه ای کاغذی از مقاله هایم را نگه داری کرده بودم. مقاله ی خانم مونا را با مقاله ی خودم مقایسه کردم و زیر خطوطی که عینا شبیه جملات من بود را خط کشیدم. همان جملاتی را که از مقاله ی من گرفته شده بود در مقاله خانم مونا سیفی با رنگ زرد مشخص کرده ام. عکس زیر را ببینید و قضاوت کنید. دزدی تنها دزدی اقتصادی نیست بلکه دزدی ادبی هم در مملکت ما رواج دارد.

زهره شمس- ۲۳ مارس ۲۰۲۰ برابر با ۴ فروردین ۱۳۹۹



آرشیو شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۶، شماره ۱۸۸۱۰

ادب و هنر

۹

ترجمه عارفانه حافظ به بهانه ترجمه کامل حافظ به زبان فرانسوی

مونا سیفی

به تازگی ترجمه شارل هانری دو فوشه کور از غزلیات حافظ به اتمام رسید. این ترجمه که قریب به شانزده سال از عمر این محقق، ایرانشناس و مترجم را به خود اختصاص داد، تنها ترجمه کامل از اشعار حافظ به زبان فرانسوی محسوب می شود. چندی پیش بزرگداشت این پروفیسور با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی و رایزنی فرهنگی

سفارت فرانسه در تهران برگزار شد و پس از آن نیز در شیراز، شهر حافظ و در کنار مقبره او نیز بزرگداشت دیگری برای او تدارک دیده شد.

به همین مناسبت، در گزارش زیر به زندگی نامه این ایران شناس و دلایل روی آوردن او به ترجمه اشعار حافظ پرداختیم.

شارل هانری دوفوشه کور در سال ۱۹۲۵ در مراکش به دنیا آمد و هفده سال اول عمرش را در آن کشور گذراند. او در الجزایر، تونس و فرانسه به فراگیری علوم دینی و زبان عربی پرداخت.

روزی استاد زبان عربی او در تونس، «رنه داگورن» به او پیشنهاد کرد: «اگر به تمدن اسلامی قرون وسطی علاقه دارید، لازم است که با زبان و ادبیات ایران آشنا شوید، زیرا ایرانیان در بنیانگذاری این تمدن، نقشی مهم و اساسی دارند».

پس فوشه کور به فراگیری زبان فارسی پرداخت. فرهنگ و ادبیات فارسی وی را چنان شیفته خود ساخت که شانزده سال او را درگیر ترجمه و تحشیه دیوان حافظ کرد. در حقیقت دوفوشه کور روزی از سرکنجکاو به سراغ زبان فارسی آمد، اما گنجینه ادبیات فارسی و آشنایی با شاعران و نویسندگان آن و به ویژه حافظ سبب شدند که از آن پس او همچون حافظ در این بند جاوید گرفتار بماند. «به تماشگاه زلفش دل حافظ روزی/ شد که باز آید و جاوید گفتار بماند»

راز دلدادگی

شارل هانری دوفوشه کور استاد برجسته و بازنشسته سوربن جدید است او شاگرد هانری کوربن و ژیلبر لازار است که به بالاترین درجات علمی و دانشگاهی در مطالعات ایرانی دست یافته اند. فوشه کور رساله دکتری دوره سوم دانشگاهی خود را به «توصیف طبیعت در شعر فارسی قرن پنجم هجری» اختصاص داد و رساله دکتری دولتی خود را نیز در زمینه اخلاقیات در ادبیات فارسی از بدایت آن تا پایان قرن هفتم هجری، نوشته است.

فوشه کور در دهه هفتاد مدیر انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران بوده و در سال ۱۹۷۸ مجله سالانه کتابشناسی ابستراکتا ایرانیکا را تاسیس کرد. از سال ۱۹۸۴ که پایان نامه دکتری اش را دفاع کرد، تا سال ۱۹۹۳ با قبول مسئولیت های مختلف در تماس مستقیم و گسترده با ادبیات ایران قرار گرفت، از جمله این مسئولیت ها مدیریت «انستیتوی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس ۳»، «مدیریت مؤسسه زبان ها، ادبیات و فرهنگی ایرانی»، «مدیریت مرکز آموزش و پژوهش مشرق زمین و دنیای عرب در دانشگاه پاریس» و ... بود. به این ترتیب ارتباط مستقیم با ادبیات فارسی و سفرهای متعدد فوشه کور به ایران و ارتباط نزدیک با محققان ایرانی شیفتگی و دلبستگی او را به زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش کرد.

تسلط پرفسور شارل هانری دوفوشه کور به نثر و نظم فارسی کلاسیک، از او کارشناسی برجسته ساخت که با نگاهی تازه به پژوهش در زمینه ادبیات کلاسیک می پرداخت و تحقیقات متعددی در سبک شناسی تاریخ ادبیات و عرفان انجام داد.

حافظ، آینه ادبیات ایران

اما در میان شاعران پارسی گوی، حافظ شاعر مورد علاقه و تحسین فوشه کور است، شاعری که به نظر او بی همتا است. حافظ برای او مرکز ثقل فرهنگی و ادب ایرانی به شمار می آید.

فوشه کور، خود درباره حافظ می گوید: «حافظ مثل یک مرکز است. کسی که بتواند برسد به این مرکز ادبیات فارسی، می تواند قضاوت کند به تمام ادبیات ایران. مثل یک آینه که زاویه های مختلف را نشان می دهد، صورت های مختلفی دارد. دیوان حافظ مثل یک آینه است. اثر حافظ را در هر شاعر و نویسنده ای می توانید پیدا کنید».

او معتقد است که باید بین شخص حافظ و حافظ شاعر تفاوت قائل شد.

در نظر او حافظ قبل از هر چیز یک شاعر است، بنابراین هر آنچه او می سراید منحصر در یک چارچوب شاعرانه است و ما از جستجوی مسیر شخصی در اثر او باید دوری کنیم. به نظر دوفوشه کور، تصاویر به کار رفته توسط حافظ

که از یک سنت مسلط که میراث چندین قرن شعر فارسی است، بر می خیزد و محدود به ترسیم عملیات دقیق زندگی ملموس حافظ نیست؛ دیوان یک سرگذشت و یا دفتر خاطرات نیست.

پرفسور دوفوشه کور در مورد غزل می گوید: «غزل یک فضا، یک کل است. غزل دریچه ای است به سوی یک موقعیت، دقیقاً مانند رمان، آغازی دارد، تحول می یابد و پایان می گیرد. با خواندن غزل، به دنیایی دست می یابیم که شبیه یک تابلو، یک منشور الماس است که با آن می شود جلوه های گوناگون زندگی را دید. هرچه بیشتر به آن نگاه می کنی، بیشتر می بینی و بیشتر درمی یابی».

وی می گوید: غزل حافظ فقط از کلمات و علائم تشکیل نشده است. نقش خط و اصوات را نباید فراموش کرد. در واقع یک نوع هم آهنگی بین آنچه گوش می شنود و آنچه چشم می بیند در این غزل ها وجود دارد. در این کار هنری که شبیه نت یک آهنگ موسیقی است، انسان بازی اصوات و تجانس کلمات را که با بازی دست نوشته در آمیخته، در می یابد».

شانزده سال ترجمه

پژوهش در ادبیات فارسی، در طول بیش از سی سال، پرفسور دوفوشه کور را آن چنان به حافظ نزدیک کرد که او از سال ۱۹۸۶ ترجمه کامل دیوان حافظ را آغاز کرد. او خود درباره دلایل این کار می گوید: «من به دو دلیل ترجمه دیوان حافظ را در دست گرفتم، اول برای اینکه خودم شعر او را درک کنم و دیگر، برای اینکه درک خود از شعر حافظ را با دیگران در میان بگذارم و به این طریق، تصحیح بشوم».

دوفوشه کور در کار ترجمه دیوان حافظ به تفاسیر نوشته شده بر دیوان و شرح و توضیحات کتاب های فارسی زبان توجه داشته است: «این کتاب ها، آثار باارزشی هستند که در راه فهم و درک شعر حافظ و ترجمه بهتر آن به من کمک بسیار کردند.» او علاوه بر این از کتاب «درباره نقد ترجمه ها» «جان دون» نیز بهره های فراوان گرفته است، اما توجه چندانی به ترجمه های فرانسوی زبانی که تاکنون از برخی غزلیات حافظ شده بود، نداشته است و اصولاً آن ترجمه های قبلی را کارهای درست و مناسبی نمی داند و معتقد است: «بجز جدیدترین این ترجمه ها که در آنها پیشرفت قابل ملاحظه ای در تصحیح و تفسیر غزل ها به چشم می خورد، بقیه آن ها آثار قابل توجهی نیستند».

اما دوفوشه کور، پیش از اینکه درگیر کار ترجمه یک غزل بشود، به خواندن درست آن با توجه به وزن، اهمیت فوق العاده ای می دهد و معتقد است درک رابطه بین واژه ها، هم از نظر معنی و هم از نظر آهنگ، بسیار مهم است. وی سپس به قافیه و ردیف که وحدت شعر را جهت می دهد، توجه می کند و سپس به بررسی اولین و آخرین بیت برای کشف رابطه آن ها می پردازد».

در هر حال، اثری که دوفوشه کور از ترجمه دیوان حافظ به زبان فرانسوی به دست می دهد، اثری است در قالب نثر، چرا که او بر این باور است که «باز آفرینی وزن و قافیه به هیچ دردی نمی خورد.» و به همین خاطر هم ترجمه هایی که به صورت نظم از دیوان حافظ یا دیگر شاعران انجام شده است، بسیار از متن اصلی (فارسی) دور افتاده اند. با وجود این، به عقیده دوفوشه کور باز آفرینی تشبیهات شعر حافظ، امری ضروری است و باید در ترجمه غزلیات حافظ، به تشبیهات آن به نوعی جان دوباره داد. به همین خاطر هم فوشه کور در ترجمه کامل دیوان حافظ با استفاده از نمادها، استعاره ها و تشبیهات زبان فرانسه، آن ها را به همان صورتی که در فارسی هستند به خواننده فرانسوی می شناساند. ضمن اینکه ترجمه های او همراه با تفسیر گسترده و سودمندی است که در آنها توضیحات مربوط به محتوا و فرم نیز ارائه می شود.

گوهر حافظ در ترجمه

ترجمه ای که شارل هانری دوفوشه کور از دیوان حافظ در ۱۲۸۰ صفحه ارائه داده است. در واقع تنها یک ترجمه صرف نیست، چرا که اگر چنین بود، برای تمام ۴۸۶ غزلی که در تمام دیوان حافظ وجود دارد، شاید حداکثر دویست صفحه کافی بود، اما فوشه کور در پی ترجمه هر غزل، تفسیری فنی نیز درباره خوانش غزل ارائه کرده است. البته در این خوانش ها و تفسیرها، فوشه کور به تمام حافظ شناسان قدیم و جدید ایرانی و آثارشان توجه داشته است و در این میان، نظر او بیش از پیش با عقیده آنان که غزلیات حافظ را، غزل هایی کاملاً عرفانی می دانند، منطبق بوده است. به همین خاطر نیز در ترجمه حافظ دوفوشه کور، هر جا که واژه هایی مثل شاهد، دوست، محبوب، گیسوی یار و ... آمده است، همگی به صورت درشت ذکر شده اند. در واقع، این مترجم با این کار به گونه ای صریح و واضح به خوانندگان

فرانسوی اشعار حافظ متذکر می شود که این واژه ها به هیچ وجه مربوط به دنیای انسانی نیستند و همگی واژه هایی هر موتیک و نمادین محسوب می شوند.

البته به نظر می رسد چنین دیدگاهی در خصوص ترجمه شعر حافظ و نه تفسیر آن، باعث می شود که خواننده اشعار مجال چندانی برای تفکر و یافتن مضامین دیگر را در اشعار این شاعر نداشته باشد و تنها از یک بعد به این شعرها نظر داشته باشد. در حالی که واضح است که حافظ، شاعر است و چیزی جز شاعر نیست و در حقیقت باید خوانندگان شعر او نیز در برداشت و تفسیرهای گوناگون از شعر او آزاد باشند تا به این ترتیب به قدرت شاعری و رندی حافظ پی ببرند.

علاوه بر این، پرفسور دوفوشه کور به شدت معتقد است که در هر غزل حافظ نظمی عمودی حاکم است و در واقع تک تک ابیات یک غزل از لحاظ معنوی با همدیگر پیوستگی دارند، به همین خاطر او کوشیده است در خوانش غزل و تفسیر آن، به دنبال کشف پیوستگی ابیات باشد و در این راه گاه رنج ها و زحمت های فراوانی کشیده است و به تعبیر و تفسیرهای عجیب و گاه نادرست رسیده است. در واقع پیدا کردن رابطه هایی میان تمام ابیات غزل، دوفوشه کور را به اشتباهاتی کشانده است و البته سبب شده است توجیهاتی چند صفحه ای نیز در برخی اوقات برپاره ای ابیات بنویسد.